

Received: 2024/2/21
Accepted: 2024/5/13
Vol.22/No.86/Winter 2026

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

**Comparative Analysis of the Theory of Tawhid in the Thought of Ibn Arabi, and
Mulla Sadra, Allameh Tehrani**

Tahereh Fahimi Najm, Reza Esfandiari Eslami, Mahdi Norouzi*

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Associate Professor, Department of Fiqhe Moqaran, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. * *Corresponding Author*, r.eslami@isca.ac.ir

Assistant Professor, University of Religions & Denominations, Qom, Iran.

Abstract

Tawhid, as the fundamental principle of Islamic thought, has been the subject of deep reflection among mystics and philosophers. Ibn Arabi, through his doctrine of Wahdat al-Wujud (Unity of Being), interprets Tawhid as the absolute oneness of existence, where all entities are merely manifestations of the singular reality. In contrast, Mulla Sadra, within the framework of Transcendent Philosophy, expands this concept through the gradation of existence (Tashkik al-Wujud) and substantial motion, arguing that existence possesses hierarchical intensities. Allameh Seyyed Mohammad Hossein Hosseini Tehrani, emphasizing Divine Guardianship (Wilayah Kulliyah Ilahiyyah) and the Muhammadian Reality, asserts that true Tawhid is unattainable without the recognition of the infallible Imam (a). This comparative study examines the perspectives of these three thinkers regarding the nature of Tawhid, existential manifestations, and the role of divine guardianship in its realization. The findings reveal that while Ibn Arabi, Mulla Sadra, and Allameh Tehrani all accept the fundamental principle of the unity of being, they differ significantly in their interpretations. This study concludes that Ibn Arabi emphasizes mystical experience, Mulla Sadra focuses on philosophical analysis, and Allameh Tehrani highlights the role of divine guardianship in achieving Tawhid.

Keywords: Tawhid, Unity of Being, Ibn Arabi, Mulla Sadra, Allameh Tehrani, Gradation of Existence, Islamic Mysticism

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۴

دوره ۲۲- شماره ۸۶- زمستان ۱۴۰۴- صص: ۱۴۴-۱۳۱

مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی توحید در اندیشه ابن عربی، ملاصدرا و علامه طهرانی

طاهره فهیمی نجم^۱

رضا اسفندیاری اسلامی^۲

مهدی نوروزی^۳

چکیده

توحید، به عنوان بنیادی‌ترین اصل در اندیشه اسلامی، از منظر عرفا و فلاسفه با تأملات گوناگونی مواجه بوده است. این پژوهش با روش تطبیقی، دیدگاه‌های ابن عربی، ملاصدرا و علامه سیدمحمدحسین حسینی طهرانی را درباره وحدت وجود، تجلیات آن و نقش ولایت بررسی می‌کند. ابن عربی، با ارائه نظریه وحدت شخصی وجود، هستی را منحصر به یک حقیقت مطلق می‌داند. ملاصدرا با تبیین تشکیک وجود و حرکت جوهری، وجود را دارای مراتب مختلف می‌شمارد. علامه طهرانی نیز با تأکید بر ولایت کلیه الهیه و حقیقت محمدیه، تحقق توحید را در گرو معرفت امام معصوم (ع) می‌داند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند این سه متفکر در پذیرش اصل وحدت وجود هم‌نظرند، اما تفاوت آن‌ها در روش تبیین این مفهوم است: ابن عربی بر شهود عرفانی، ملاصدرا بر تحلیل فلسفی و علامه طهرانی بر نقش ولایت تأکید دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که پیوند میان عرفان، فلسفه و ولایت، رویکردهای متفاوتی را در فهم توحید رقم زده است. کلیدواژه‌ها: توحید، وحدت شخصی وجود، ابن عربی، ملاصدرا، علامه طهرانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه فقه مقارن، پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اسلامی، قم، ایران. نویسنده مسئول: r.eslami@isca.ac.ir

۳- استادیار گروه فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

پیشگفتار

توحید، به عنوان اصل بنیادین تمام ادیان توحیدی، در اسلام جایگاهی ویژه دارد. از دیرباز، بحث درباره حقیقت وحدت الهی، نسبت ذات و صفات، و ارتباط خالق با مخلوق، محل توجه فلاسفه و عرفا بوده است. قرآن کریم، توحید را در چندین سطح مطرح می‌کند.

توحید ذاتی: خداوند واحد و بی‌نیاز است آیه "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ" (الاحلاص: ۱-۲) بیانگر یگانگی ذاتی و بی‌نیازی مطلق خداوند است. این آیه با نظریه وحدت شخصی وجود ابن عربی همخوانی دارد، زیرا او تأکید می‌کند که وجود حقیقی، تنها مختص خداوند است و سایر موجودات، مظاهر آن هستند (ابن عربی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۳۴۵).

توحید صفاتی: وحدت ذات و صفات الهی آیه "وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا" (الاعراف: ۱۸۰) بر این نکته تأکید دارد که اسماء و صفات الهی، جلوه‌های ذات حق هستند. ملاصدرا این مفهوم را با نظریه تشکیک وجود ترکیب می‌کند و بیان می‌دارد که صفات الهی، مراتب مختلفی از وجود هستند که در عین حال، به ذات واحد بازمی‌گردند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۷۲).

توحید افعالی: فاعلیت مطلق خداوند آیه "وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ" (الصفافات: ۹۶) تصریح می‌کند که تمام افعال در نهایت، فعل خداوند هستند. ابن عربی در بحث توحید افعالی می‌گوید: "هیچ فعلی مستقل از اراده و مشیت الهی نیست؛ تمام مخلوقات، تجلیات فعل خداوند هستند" (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۳: ۱۵۴). علامه طهرانی نیز در "توحید علمی و عملی" به این آیه استناد کرده و تأکید دارد که درک صحیح این حقیقت، نیازمند معرفت حضوری و شهودی است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۱۰۴).

عرفای اسلامی، به ویژه ابن عربی، نظریه‌ای را مطرح کردند که به وحدت شخصی وجود مشهور شد. بر اساس این نظریه، تنها یک وجود حقیقی در عالم هست که همان ذات الهی است، و هر آنچه که کثرات می‌نماید، در حقیقت، تعینات و تجلیات آن وجود واحدند. این دیدگاه با واکنش‌های متعددی مواجه شد و بعدها ملاصدرا آن را در نظام حکمت متعالیه خود بازتفسیر کرد. در سده اخیر، علامه طهرانی این مفهوم را با تأکید بر ولایت کلیه الهیه و حقیقت محمدیه مورد بررسی قرار داد و آن را از منظر عرفان شیعی شرح و بسط داد. پژوهش حاضر، تطبیقی میان دیدگاه‌های ابن عربی، ملاصدرا و علامه طهرانی درباره توحید است و سعی بر آن داریم که به سوالاتی نظیر: ابن عربی چگونه وحدت شخصی وجود را تبیین می‌کند؟ و یا ملاصدرا چگونه این نظریه را در قالب حکمت متعالیه و نظریه

تشکیک وجود باز تفسیر کرده است؟ همچنین علامه طهرانی چه تفاوتی با دو متفکر پیشین دارد و چگونه ولایت کلیه الهیه را در تحلیل توحید وارد می‌کند؟ را به قدر فهم و درک انسانی خویش پاسخ-دهیم.

مفهوم توحید در اندیشه ابن عربی

ابن عربی (۶۳۸-۵۶۰ هـ.ق)، از برجسته‌ترین عرفای اسلامی، نظریه وحدت شخصی وجود را ارائه داد که بر اساس آن، تنها وجود حقیقی در عالم، ذات الهی است و سایر موجودات، تجلیات این وجود یگانه‌اند (ابن عربی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۳۴۵). وی با نقد نگاه متکلمان که میان خالق و مخلوق تمایزی جوهری قائل بودند، تأکید می‌کند که همه هستی در حقیقت یک تجلی از ذات حق است و کثرات، نمودهای اعتباری آن وحدت حقیقی هستند (چیتیک، ۱۳۶۸، ص ۸۷). امام علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: "أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِّيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ" (نهج البلاغه، خطبه ۱). این سخن، دقیقاً همان مبنایی است که ابن عربی در تبیین وحدت شخصی وجود مطرح می‌کند؛ یعنی ذات الهی، بسیط و غیرقابل توصیف با مفاهیم بشری است (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۱: ۲۱۲).

مراتب توحید در اندیشه ابن عربی

ابن عربی سه مرتبه از توحید را معرفی می‌کند:

توحید ذاتی: ذات الهی بسیط، مطلق و یگانه است، و در آن هیچ‌گونه ترکیب یا دوگانگی راه ندارد (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۱: ۲۱۲).

توحید صفاتی: صفات خداوند نه امری زائد بر ذات، بلکه عین ذات الهی هستند، برخلاف دیدگاه اشاعره که میان ذات و صفات تمایز قائل می‌شوند (چودکیویچ، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

توحید افعالی: تمامی افعال در نهایت از آن خداوند است و حتی اعمال بندگان نیز تجلی افعال الهی‌اند (سلز، ۱۳۸۰: ۹۱). وی معتقد است که فهم این مراتب، مستلزم شهود عرفانی است و صرفاً از طریق عقلانی نمی‌توان به حقیقت توحید رسید (موریس، ۱۳۷۴: ۱۵).

حقیقت محمدیه و نقش آن در توحید ابن عربی

حقیقت محمدیه را اولین تعیین از ذات الهی می‌داند و معتقد است که تمامی هستی از این حقیقت صادر شده است. وی می‌گوید: "حقیقت محمدیه، نخستین تجلی از ذات حق است و همه انبیا و اولیا از آن ظهور یافته‌اند" (ابن عربی، ۲۰۰۲: ۸۱) از نظر او، حقیقت محمدیه همان اسم اعظم الهی است که واسطه میان ذات باری تعالی و عالم خلق محسوب می‌شود (رحمتی، ۱۳۹۵: ۹۳). در نتیجه، شناخت حقیقت محمدیه، عمیق‌ترین سطح توحید است، زیرا بدون شناخت این واسطه، درک وحدت حقیقی امکان‌پذیر نیست (چیتیک، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

نظریه اعیان ثابته و نقش آن در توحید ابن عربی

مفهوم اعیان ثابته را برای توضیح رابطه میان خالق و مخلوق ارائه می‌دهد. از دیدگاه او اعیان ثابته، ماهیات ممکنات هستند که در علم الهی به نحو ثابت و ازلی وجود دارند (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۳۵). این اعیان، پیش از تحقق خارجی خود، در ذات حق موجود بوده‌اند و ظهور آن‌ها در عالم خارج، تنها نتیجه تجلی الهی است (سلز، ۱۳۸۰: ۸۵). ابن عربی در تبیین این نظریه، به تفاوت میان وجود خارجی و وجود علمی اشیا در علم الهی اشاره می‌کند و معتقد است که کثرات تنها در سطح ظهور معنا دارند، نه در حقیقت وجود (چودکیویچ، ۱۳۷۹: ۷۲).

تفاوت وحدت وجود و وحدت شهود

ابن عربی نظریه وحدت وجود را مطرح کرد، اما برخی صوفیان بعدی، از جمله احمد سرهندی، از وحدت شهود سخن گفتند. تفاوت این دو دیدگاه چنین است که وحدت وجود: فقط یک وجود حقیقی در عالم هست و سایر موجودات، جلوه‌های این وجود واحدند (ابن عربی، ۱۹۸۰، ج ۳: ۱۵۴). وحدت شهود: عارف در تجربه عرفانی خود، عالم را واحد می‌بیند، اما این وحدت صرفاً یک تجربه شهودی است و نه یک حقیقت هستی‌شناختی (بورکهارت، ۱۳۹۰، ص ۶۷). ابن عربی به شدت با این تفسیر مخالف بود و استدلال می‌کرد که وحدت وجود، یک اصل متافیزیکی و عینی است، نه صرفاً یک تجربه عرفانی (موریس، ۱۳۷۴: ۲۷).

می‌توان گفت ابن عربی، توحید را بر اساس وحدت شخصی وجود تبیین می‌کند و تمام هستی را جلوه‌های ذات الهی می‌داند. حقیقت محمدیه، واسطه فیض الهی است و شناخت آن، شرط تحقق توحید حقیقی محسوب می‌شود. اعیان ثابته، جایگاه کلیدی در توضیح نسبت میان خالق و مخلوق دارند. نظریه ابن عربی، بعدها بر ملاصدرا و عرفای شیعی، از جمله علامه طهرانی تأثیر مهمی گذاشت.

وی نه تنها در بیان فلسفی و عقلی بلکه در بیان ادبی و عرفانی نیز اشاراتی بر مباحث توحیدی دارد. ابن عربی در اشعار خود به وحدت شخصی وجود، تجلیات الهی و عشق الهی اشاره کرده است. او باور دارد که خالق و مخلوق درحقیقت یک وجودند و هرچه در عالم هست، تجلی حق است (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۳۲۷)

وی در اشعار زیبای خود اشارات عمیقی به مفهوم توحید دارد آنجا که می‌سراید: "العبد رب و الرب عبدٌ فیآلیتِ شِعری مَنِ الْمُکَلَّفُ؟ // إِنْ قَلْتَ عَبْدٌ فَذَاكَ رَبٌّ وَ إِنْ قَلْتَ رَبٌّ أَنَّى يُکَلِّفُ؟" ابن عربی در این شعر به نفی دوگانگی میان خالق و مخلوق پرداخته و وحدت شخصی وجود را بیان می‌کند. او جایگاه انسان کامل را به عنوان تجلی کامل حق در عالم هستی نشان می‌دهد. (ابن عربی، ۱۹۸۰: ۸۱) در آفرینش ادبی دیگری او به توحید شهودی اشاره دارد و بیان می‌کند: "لقد صار قلبي قابلاً كل صورة فمرعي لغزلان و دیر لرهبان و بیت لأوثان و كعبه طائف و ألواح توراة و مصحف قرآن أدين بدین الحب أنى توجهت ركائبه، فالحب دینی و ایمانی" این شعر نشان‌دهنده درک وحدت ادیان در پرتو توحید حقیقی است. ابن عربی حقیقت واحد را در تمامی مظاهر هستی مشاهده می‌کند (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۴: ۸۲).

مفهوم توحید در اندیشه ملاصدرا

ملاصدرا (۱۰۵۰-۹۷۹ هـ.ق)، بنیان‌گذار حکمت متعالیه، با بهره‌گیری از مبانی عرفانی ابن عربی و فلسفه مشاء و اشراق، نظریه‌ای جامع در باب توحید ارائه داد. او مفهوم وحدت شخصی وجود را با نظریه تشکیک وجود ترکیب کرد و تفسیر فلسفی جدیدی از آن ارائه داد (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ج ۶: ۲۴۸)

وحدت وجود و تشکیک در اندیشه ملاصدرا

در خطبه ۶۵ نهج البلاغه آمده است: "لَمْ يُولَدْ فَيُشَارِكُ، وَ لَمْ يُولَدْ فَيُؤَاوِزِي، وَ لَمْ يَعْجَزْ فَيَسْتَظْهِرَ." این عبارت، همان اندیشه‌ای است که ملاصدرا در تحلیل رابطه میان ذات و صفات الهی بیان می‌کند. وی در "اسفار اربعه" تأکید دارد که صفات الهی، تجلیات ذات واحد هستند که در نظام هستی به صورت مراتب تشکیکی ظهور یافته‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۴۷).

برخلاف ابن عربی که معتقد است وجود فقط یک حقیقت واحد دارد و کثرات، تعینات آن هستند، ملاصدرا با معرفی نظریه تشکیک وجود بیان می‌کند که وجود یک حقیقت واحد است اما در مراتب مختلفی ظهور می‌یابد (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۷۲). به عبارتی وجود، حقیقتی واحد و بسیط است اما دارای شدت و ضعف است. موجودات، تجلیات مختلف این حقیقت واحدند، اما تفاوت آن‌ها در شدت و ضعف وجودی است. این دیدگاه، امکان هماهنگی میان فلسفه و عرفان را فراهم می‌آورد، زیرا

هم وحدت شخصی وجود را تأیید می‌کند و هم به نحوی کثرات را توجیه می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۱۵).

توحید و حرکت جوهری:

یکی از نوآوری‌های ملاصدرا، نظریه حرکت جوهری است که نقش مهمی در توحید دارد. او بر این باور است که تمام موجودات در یک حرکت جوهری دائمی قرار دارند و به سوی کمال نهایی که همان حقیقت وجود (خداوند) است، در حال سیورورت هستند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۶: ۹۸). این حرکت، نشان‌دهنده تشکیکی بودن وجود است و کثرات، چیزی جز تجلیات تدریجی حقیقت واحد نیستند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

توحید ذاتی، صفاتی و افعالی در حکمت متعالیه

ملاصدرا، مانند ابن عربی، مراتب توحید را به توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی تقسیم می‌کند، اما تفاوتی که با ابن عربی دارد این است که او این مفاهیم را در قالب نظریه تشکیک وجود تحلیل می‌کند، توحید ذاتی: ذات الهی حقیقت واحدی است که هرگونه ترکیب یا تکثر در آن محال است (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۸: ۵۲).

توحید صفاتی: صفات الهی عین ذات هستند، اما تفاوت آن‌ها به اعتبار عقلی و مرتبه تشکیکی وجودی آن‌ها بازمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۱۲) توحید افعالی: همه افعال در نهایت از خداوند صادر می‌شوند، اما در نظام حکمت متعالیه، تأکید بیشتری بر نحوه تأثیر مخلوقات به‌عنوان ابزار فاعلیت الهی دیده می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۸۹)

رابطه خداوند و عالم در حکمت متعالیه

ملاصدرا با الهام از ابن عربی و نقد متکلمان، رابطه خداوند و عالم را چنین توضیح می‌دهد: وجود، دارای مراتب تشکیکی است و همه موجودات، به میزان مرتبه وجودی خود، بهره‌ای از وجود حقیقی دارند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۴۷) در عین حال که وجود، واحد است، کثرات نیز به‌عنوان تجلیات آن وجود پذیرفته می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

ملاصدرا نیز مانند ابن عربی نگاه ذوقی و ادبی به مقوله توحید دارد. او وحدت حقیقت هستی را در شعر خود این‌گونه بیان می‌کند: "سِرُّ الحقائق فی الوجودِ واحدٌ و الکلُّ فیهِ مَظَاهِرٌ و ظُهُورٌ کُلُّ الخلائقِ إن نظرتَ بعینها هُوَ عَیْنُهُ لا غیرَ فیهِ یُصورٌ"

ملاصدرا در این شعر، بر این نکته تأکید دارد که راز حقیقت در وجود، یکی بیش نیست و هرچه در عالم دیده می‌شود، تنها تجلی و ظهور همان حقیقت است. او همچنین در شعری دیگر به توحید

افعالی اشاره می‌کند: "یا مَنْ يُحَرِّكُ الْأَشْيَاءَ وَ لَا يُحَرِّكُ // أَنْتَ الَّذِي إِنْ شِئْتَ تَكُونُ الْمَمْلُوكُ // يَا وَاحِدًا فِي الْحُكْمِ لَا شَيْءَ غَيْرَهُ // وَكُلُّ الْكَوَاكِنِ فِي صُنْعِكَ تَسْلُوكُ" این شعر بیانگر آن است که تمام حرکات و تغییرات عالم، از فعل خداوند سرچشمه می‌گیرد و او یگانه مطلق در فرمانروایی هستی است. (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

مقایسه دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی درباره وحدت وجود

اگرچه ملاصدرا و ابن عربی هر دو به وحدت وجود معتقدند، اما میان آن‌ها دو تفاوت کلیدی وجود دارد:

۱. ابن عربی معتقد است که فقط یک وجود حقیقی وجود دارد و بقیه مظاهر آن هستند، اما ملاصدرا قائل به تشکیک وجود است و تفاوت مراتب وجودی را به رسمیت می‌شناسد (موریس، ۱۳۷۴: ۲۳).
۲. ابن عربی بیشتر به جنبه شهودی توحید تأکید دارد، اما ملاصدرا تلاش می‌کند آن را به صورت فلسفی و عقلانی تبیین کند (چودکیویچ، ۱۳۷۹: ۶۵). ملاصدرا، توحید را بر اساس وحدت شخصی وجود و تشکیک وجود تبیین می‌کند. حرکت جوهری، ابزار مهمی برای فهم کثرات در نظام وحدت وجودی اوست. توحید در حکمت متعالیه، با نظریه تشکیک وجود و سلسله مراتب وجود، تفسیر جدیدی از توحید ابن عربی ارائه می‌دهد.

مفهوم توحید در اندیشه علامه طهرانی

سیدمحمدحسین حسینی طهرانی (۱۴۱۶-۱۳۰۵ هـ.ق) یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان شیعی معاصر بود که با تأثیرپذیری از حکمت متعالیه و عرفان نظری، به تحلیل توحید، ولایت کلیه الهیه و نقش حقیقت محمدیه در نظام معرفتی اسلام پرداخت. او شاگرد علامه طباطبایی بود و تحت هدایت عرفانی سیدهاشم حداد، به سلوک عملی عرفانی پرداخت.

آثار علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی درباره توحید بسیار گسترده و متنوع است. او در چندین کتاب مهم خود به صورت تفصیلی به موضوع توحید نظری و عملی، ولایت کلیه الهیه، حقیقت محمدیه، سلوک عرفانی و معرفت امام پرداخته است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۷۸) وی در کتاب "توحید علمی و عملی" (جلد ۶) که از مهم‌ترین و جامع‌ترین آثار او درباره توحید است، به تفصیل درباره توحید نظری و عملی سخن گفته است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۵۸). علامه طهرانی در این کتاب، توحید را به سه مرحله "توحید علمی"، "توحید عینی" و "توحید عملی" تقسیم می‌کند (همان، ج ۲: ۹۸). در این اثر، توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی با استناد به آیات، احادیث و متون عرفانی بررسی شده است. (همان، ج ۳: ۱۴۷) او در این کتاب، موضوع "ولایت کلیه الهیه" و نقش امام معصوم (ع) در تحقق توحید را نیز به تفصیل تحلیل کرده است (همان، ج ۴: ۳۲۴). این کتاب

به شدت به عرفان ابن عربی و حکمت متعالیه ملاصدرا نزدیک است، اما رویکردی به شدت شیعی دارد. (همان، ج ۵: ۱۹۴) علامه طهرانی در کتاب دیگری با عنوان "امام شناسی" (۱۸ جلد) به پیوند میان توحید و ولایت امامان معصوم (ع) می پردازد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۱۰۵). در مباحث توحیدی این کتاب، جایگاه حقیقت محمدیه و ولایت کلیه الهیه در تحقق توحید حقیقی تحلیل شده است (همان، ج ۶: ۲۰۵). در این مجموعه، تفاوت میان توحید نظری و توحید شهودی (حقیقی) به تفصیل بیان شده است (همان، ج ۱۰: ۳۴۱). در برخی مجلدات، دیدگاه های عرفانی ابن عربی، ملاصدرا و سایر فلاسفه و عرفا نقد شده و رویکرد شیعی تقویت شده است (همان، ج ۱۲: ۴۵۷). اثر دیگر علامه، "معادشناسی" (۱۰ جلد) است. یکی از مباحث مهم این اثر، حقیقت وجودی انسان و سیر او به سمت توحید مطلق در قیامت است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۷۶). در برخی بخش ها، وحدت وجود و نقش آن در شناخت آخرت و مراتب بهشت و جهنم تحلیل شده است (همان، ج ۵: ۱۸۲). این کتاب توحید را از منظر سرنوشت نهایی انسان بررسی می کند (همان، ج ۸: ۳۱۱). اثر دیگر علامه، "الله شناسی" است که کتابی مستقل درباره شناخت خدا و توحید محسوب می شود (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۴۸). این کتاب به صورت اختصاصی به بحث الله شناسی و شناخت صفات الهی از دیدگاه فلسفه و عرفان اسلامی می پردازد (همان، ج ۲: ۱۱۲). یکی از نکات مهم این اثر، بررسی اسمای الهی و تجلیات آن در عوالم هستی است. (همان، ج ۳: ۱۵۷) در برخی بخش ها، دیدگاه عرفای بزرگ مانند ابن عربی، قونوی و قیصری تحلیل و نقد شده است. (همان، ج ۴: ۲۰۳) اثر دیگری که به مفهوم توحید عملی و سلوک عرفانی پرداخته است "رساله لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب" است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸: ۵۶). این کتاب که حاصل تعلیمات عرفانی سیدهاشم حداد است، به سیر و سلوک عرفانی برای تحقق توحید عملی می پردازد. (همان: ۱۰۴) در این اثر، راهکارهای عملی برای رسیدن به معرفت شهودی و توحید حقیقی ارائه شده است. (همان: ۱۴۷). این اثر به عرفان نظری و عملی ابن عربی و رویکردهای آن بسیار نزدیک است، اما با محوریت سلوک عرفانی شیعی (همان: ۲۰۵).

مجموعه آثار او، به ویژه "توحید علمی و عملی" و "امام شناسی"، یکی از جامع ترین تفاسیر عرفانی-فلسفی درباره توحید و ولایت در تفکر شیعی محسوب می شود (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۷۸).

علامه طهرانی، توحید را نه تنها یک مفهوم فلسفی و عرفانی، بلکه بنیادی ترین اصل معرفت شناسی و سلوک عملی در اسلام می داند. او در اثر خود "توحید علمی و عملی" به تفصیل درباره ابعاد مختلف توحید و سیر عرفانی برای تحقق آن سخن گفته است. دیدگاه وی، برخلاف ابن عربی و ملاصدرا که بیشتر از دیدگاه فلسفی یا شهودی به توحید پرداخته اند، به پیوند توحید با ولایت و معرفت امام معصوم (ع) تأکید دارد.

وحدت شخصی وجود و معرفت‌شناسی توحیدی

علامه طهرانی همانند ابن عربی و ملاصدرا به وحدت شخصی وجود معتقد است، اما وی ابعاد معرفت‌شناختی این مسئله را از منظر عرفان شیعی بسط می‌دهد: " وجود، حقیقتی بسیط و نامتناهی است که تمام ممکنات، تجلیات و شئون آن به‌شمار می‌آیند. اما این درک، تنها از طریق معرفت حضوری و شهود عرفانی قابل‌دستیابی است." (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۱۰۴) وی با نقد دیدگاه متکلمان که قائل به تمایز جوهری میان خالق و مخلوق‌اند، تصریح می‌کند که نظریه وحدت وجود، آن‌چنان‌که عرفای الهی و اولیای خاص خدا بیان کرده‌اند، با فلسفه صرف متفاوت است. این نظریه، نه تنها یک گزاره فلسفی، بلکه حقیقتی شهودی است که تنها در مقام سیر و سلوک عرفانی می‌توان به آن رسید" (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۲۵۶).

حقیقت محمدیه و نقش آن در توحید

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های علامه طهرانی با ابن عربی و ملاصدرا، تفسیر او از حقیقت محمدیه و نقش آن در تحقق توحید است. او معتقد است که حقیقت محمدیه، اولین تعین وجودی ذات حق و واسطه تمام فیوضات الهی است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۲۵۸) تمام اسماء و صفات الهی، در حقیقت محمدیه متمثل و متجلی هستند. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) مقام امامت و ولایت، استمرار این حقیقت در عالم انسانی است و بنابراین، شناخت ولی کامل، کلید درک توحید حقیقی است (جوادی-آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) وی در این زمینه می‌نویسد: "شناخت امام، شرط اساسی در تحقق توحید است، چراکه ولایت کلیه، همان حقیقت محمدیه در بُعد انسانی و تشریحی است." (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۵: ۳۶۴)

ولایت کلیه الهیه و تحقق توحید در عرفان شیعی

در خطبه ۲۱۴ نهج‌البلاغه آمده است: " ما وَحَدَهُ مِنْ كَيْفِهِ، وَ لَأَ حَقِيقَتَهُ أَصَابَ مَنْ مَثَّلَهُ، وَ لَأَ إِلَيْهِ تَوَجَّهَ مَنْ قَصَدَهُ." ابن عربی این بیان را نفی هرگونه تشبیه و تحدید درک توحید می‌داند. (ابن عربی، ۱۹۹۹، ج ۴: ۸۱) علامه طهرانی نیز در تفسیر این خطبه، ولایت را شرط تحقق توحید می‌داند و بیان می‌کند که امام، مظهر کامل توحید است و بدون معرفت ولی، توحید ناقص خواهد بود (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۶: ۱۸۳)

علامه طهرانی ولایت کلیه الهیه را به‌عنوان رکن اصلی تحقق توحید معرفی می‌کند و معتقد است که بدون آن، فهم توحید ناقص خواهد ماند. او تصریح می‌کند که "ولایت امام معصوم، همان استمرار جریان توحید در عالم تشریح است، ولی کامل، مظهر اسمای الهی و مرآت تمام‌نمای توحید است." (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۶: ۱۸۳) بدون تسلیم در برابر ولایت، معرفت توحیدی به مقام کمال

نمی‌رسد. (رحمتی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) وی در کتاب "توحید علمی و عملی" به تفصیل بیان می‌کند که سیر و سلوک عرفانی، بدون اتصال به ولیّ معصوم، ناقص و غیرمعتبر است. این موضوع، تفاوت اساسی دیدگاه او با برخی قرائت‌های عرفانی مانند تصوف ابن عربی را نشان می‌دهد. علامه نیز در اشعار خود به توحید، ولایت کلیه الهیه و حقیقت محمدیه اشاره کرده است. او فنا و بقای بالله را به عنوان هدف سالک بیان می‌کند.

چو جز او در عالم هستی نبودی تو هم جز او مشو، فانی و باقی

جهان جز نقش او اندر آینه نیست یکی در عین هست و دیگری در طور ساقی

(حسینی طهرانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۳۲)

در این شعر، او بر وحدت وجود و نفی هرگونه استقلال از حق تأکید دارد. همچنین در جای دیگری، پیوند توحید و ولایت را این گونه بیان می‌کند:

حقیقت همه هستی از ان نور احمد بود یک حقیقت که ز ان گشت عالم

محمد حقیقت، ولی هم امام است به غیر از ظهورش نبینی دو عالم

(همان، ۱۴۲۸، ج ۱۰: ۱۲۷)

علامه طهرانی در این شعر به نقش حقیقت محمدیه در تحقق توحید اشاره دارد و بر پیوند ولایت و توحید تأکید دارد.



نتیجه‌گیری

توحید در اندیشه ابن عربی، ملاصدرا و علامه طهرانی، هرچند بر اصل وحدت شخصی وجود استوار است، اما تفاوت‌های اساسی در شیوه تبیین و تحلیل آن مشاهده می‌شود. ابن عربی، با رویکردی عرفانی، توحید را حقیقتی شهودی و ذوقی می‌داند که تنها از طریق سیر و سلوک و کشف قلبی قابل-درک است. او بر نقش انسان کامل در تحقق وحدت وجود تأکید دارد و تجلیات الهی را کلید فهم این حقیقت می‌داند. در مقابل، ملاصدرا، در چارچوب حکمت متعالیه، با بهره‌گیری از نظریه تشکیک وجود و حرکت جوهری، توحید را در بستر یک نظام فلسفی متافیزیکی تبیین می‌کند. او وجود را دارای مراتب می‌داند و حرکت جوهری را عامل تکامل موجودات به سوی توحید مطلق معرفی می‌کند. علامه طهرانی، با تأکید بر عرفان شیعی، نظریه توحید را در پیوند با ولایت کلیه الهیه و معرفت امام معصوم (ع) بازتعریف می‌کند. او بر این باور است که بدون شناخت امام، درک کامل توحید امکان‌پذیر نیست و ولایت، کلید فهم و تحقق آن است. در این چارچوب، او دیدگاه‌های ابن عربی و ملاصدرا را در منظومه فکری عرفان شیعی تحلیل کرده و تصویری جامع‌تر از توحید ارائه می‌دهد. بر این اساس، هرچند این سه اندیشمند رویکردهای متفاوتی در تفسیر وحدت وجود دارند- ابن عربی از منظر شهود عرفانی، ملاصدرا از دیدگاه فلسفی و علامه طهرانی در پیوند با ولایت- اما این رویکردها مکمل یکدیگرند و در کنار هم، تصویری جامع از حقیقت توحید ارائه می‌کنند. در این میان، دیدگاه علامه طهرانی، با پیوند میان عرفان ابن عربی و حکمت متعالیه در چارچوب ولایت، جامع‌ترین تفسیر از توحید را عرضه می‌کند و ولایت الهی را محوری‌ترین اصل در تحقق معرفت توحیدی معرفی می‌نماید.

منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) شریف رضی، س. (۱۴۱۴ ه.ق). نهج البلاغه (تصحیح: صبحی صالح). انتشارات دارالهجره.
- ۳) ابن عربی، م. (۱۹۸۰). فصوص الحکم (تصحیح: ابوالعلاء عقیفی). دارالکتب العلمیه.
- ۴) _____ (۱۹۹۹). الفتوحات المکیه (جلد ۴-۱). دارالکتب العلمیه.
- ۵) _____ (۲۰۰۲). انشاءالدوائر (تصحیح: عثمان یحیی). دارالتراث العربی.
- ۶) بورکهارت، ت. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر آموزه‌های عرفان اسلامی (ترجمه احمد فردید). تهران: مولی .
- ۷) جوادی آملی، ع. (۱۳۸۷). ریحی مختوم: شرح حکمت متعالیه. تهران: اسراء.
- ۸) _____ (۱۳۸۷). ولایت و معرفت توحیدی. تهران: اسراء.
- ۹) چیتیک، و. (۱۳۶۸). عرفان نظری ابن عربی: متافیزیک خیال در تصوف (ترجمه فریدون بدره‌ای). تهران: هرمس.
- ۱۰) چودکیویچ، م. (۱۳۷۹). دریای بی ساحل: ابن عربی و کتاب و شریعت (ترجمه انشاءالله رحمتی). تهران: حکمت.
- ۱۱) _____ (۱۳۷۹). مقایسه دیدگاه‌های ابن عربی و ملاصدرا در باب توحید. تهران: حکمت.
- ۱۲) حسینی طهرانی، س. م. (۱۴۲۸). امام‌شناسی (جلد ۱۸-۱). تهران: حکمت .
- ۱۳) _____ (۱۴۲۸). الله‌شناسی. تهران: حکمت .
- ۱۴) _____ (۱۴۲۸). توحید علمی و عملی (جلد ۶-۱). تهران: حکمت.
- ۱۵) _____ (۱۴۲۸). رساله لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب. تهران: حکمت.
- ۱۶) حسینی طهرانی، س. م. (۱۴۲۸). معادشناسی (جلد ۱۰-۱). انتشارات حکمت .
- ۱۷) صدرالدین شیرازی، م. (۱۳۸۱). الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة (جلد ۹-۱). انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸) طباطبایی، س. م. (۱۳۸۵). نهاية الحکمة. تهران: اسراء.
- ۱۹) قونوی، ص. (۱۹۷۲). مفتاح الغیب. دارالکتب العربیه .

- ۱۹) قیصری، د. (۱۹۹۰). شرح فصوص الحکم. دارالنشر الاسلامی
- ۲۰) نصر، س. ح. (۱۳۸۵). علم اسلامی: مطالعه‌ای مصور. تهران: حکمت.
- ۲۱) نصر، س. ح.، و لیمن، ا. (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه اسلامی (ترجمه س. م. ر. حسینی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۲) موریس، ج. و. (۱۳۷۴). ابن عربی و مفسرانش: بخش اول، ترجمه‌ها و مطالعات اخیر فرانسوی. مجله انجمن شرق‌شناسی آمریکا، ۱۱۵(۱)، ۱-۲۷.
- ۲۳) _____ (۱۳۷۴). بررسی تأثیر عرفان ابن عربی بر فلسفه ملاصدرا. مجله فلسفه اسلامی، ۲۳(۱)، ۷۸-۵۵.
- ۲۴) ملاصدرا. (۱۳۸۳). المبدء و المعاد (تصحیح: محمد خوانساری). مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ۲۵) سلز، م. (۱۳۸۰). متافیزیک اسماء در نظریه وحدت وجود ابن عربی. مجله فلسفه اسلامی، ۲۵، ۱۰۲-۷۵.
- ۲۶) رحمتی، ا. (۱۳۹۵). تحلیل تطبیقی وحدت شخصی وجود در آثار ابن عربی و ملاصدرا. مجله پژوهش‌های عرفانی، ۴۲، ۱۱۲-۸۵.

